

فخرالدین نصرالدین اف مضامین و لغات و تعبیرات قرآنی در اشعار کمال خجندی

افتتاح سخن آن به که کنند اهل کمال به ثنای ملک الملک خدای متعال

نظم فارسی با مطالب پرمغز و اندیشه‌های انسان‌ساز سخنوران نامی خود شهرت جهانی کسب نموده است. نفخه روح معانی قرآنی بر قالب نظم فارسی یکی از عوامل اساسی رسیدن به این پایه رفیع محسوب می‌شود. این عامل سبب گردیده که نظم فارسی مزاج ملکوتی یافته، سخنوران بزرگش از مدح و ستایش و عشق و علاقه زمینیان قدم فراتر گذاشته، با کروبیان همدوش گردند و گاهی از ایشان نیز بالاتر صعود کنند.

کمال‌الدین مسعود معروف به شیخ کمال خجندی از سخنوران و عارفان عالیقدر قرن هشتم هجری، یکی از بزرگمردانی است که با لطف و عنایت الهی از دریای پرگهر معانی هزاران در شاهوار به دست آورده است:

در سخن لطف الهی به تو یار است کمال

ورنه صد سال به فکر این سخنان نتوان ساخت

جامی در مورد شیخ کمال چنین فرموده است: «وی بسیار بزرگ بوده است و اشتغال وی به شعر و تکلف در آن ستر و تلبیس را بوده باشد، بلکه می‌شاید که برای آن بوده باشد که ظاهر مغلوب باطن نشود و از رعایه صورت عبودیت چنان که خود می‌گوید:

این تکلف‌های من در شعر من کلمینی یا حمیرای من است

علی‌الدوام به ریاضات مجاهدات مشغول می‌بوده...»^۱

دولت‌شاه سمرقندی گفته است: «بزرگ روزگار و مقبول ابرار و مرجع خاص و عام سرخیل اکابر ایام است. و چون طبع شریف او بر طریق شاعری مبادرت نمود، از آن سبب ذکر شریف او در حلقه شعرا ثبت می‌شود و الا شیخ را درجه ولایه و ارشاد است و شاعری دون مراتب اوست...»^۲

از مطالب فوق روشن می‌گردد که عرفان قوی و ذوق معنوی او را به سوی شواهد و مطالب قرآنی کشیده است.

از آنجا که بازتاب مطالب قرآنی در شعر خواجه کمال خیلی نظررس و پردامنه است، ما آنها را در چهار بخش مورد تحقیق قرار دادیم:

۱. اسما، سُور و آیات قرآنی

۲. تلمیح به داستان‌های قرآنی

۳. تجلی مضامین قرآنی

۴. اقتباسات قرآنی

اسما، سُور و آیات قرآنی

در خلال اشعار شیخ کمال نام برخی از سوره‌های آیات قرآنی ثبت گردیده که سخنور به شیوه‌ای بس لطیف از آنها استفاده برده است. ما در این بخش آن ابیات را همچون شاهد فراهم آورده‌ایم که در آنان نام سوره‌ها و آیه‌های قرآنی به صراحت بیان یافته و مضامین ابیات نیز بیانگر آن می‌باشند. زیرا در بعضی ابیات آن گونه کلمه و عبارت درج یافته که ظاهراً همچون اسم سوره یا آیه به نظر می‌آیند، اما در اصل به این معنی به کار نرفته‌اند، از قبیل:

نسیم الورد یحیکم رحیق الحب یشفقکم

من الظلمات ینجیکم بدون الشمس والطارق

* * *

چون فاتحه بر خوان وصال آن لب شیرین

هرگز چو نمی‌خواند مرا کرد فراموش

* * *

چون دید کمال آن خط و رخ فاتحه برخواند

شب بود قریب سحری بر تو دعا کرد

از آنجا که نام برخی سوره‌ها در چندین بیت با پیوستگی نام سوره دیگر آورده شده، ما نیز آنها را با یک عنوان جمع آورده‌ایم:

۱. سوره «فاتحه» و «کوثر»

در زیر لب از بیم رقیب تو بر آن روی ما «فاتحه» خواندیم دمیدن که تواند

گر خیال لب آرنده اما مان به نماز بعد هر «فاتحه» سوره «کوثر» خوانند

بر تو گفتم سوره‌ای خوانم چو میری مردم و «الحمد لله» هم نخواندی

فراموشم نخواهی شد چو «الحمد» در آن دم که به تکبیر آوری یاد

به نیتی که بر آن در بریم سجده خاص همیشه «فاتحه» خوانیم از سر اخلاص

۲. سوره «طه» و «مریم»

قاف کفر ما ز «طه» برتر است قاف عشق از «کاف ها یا» برتر است

در مصرع اول «طه» نام سوره ۲۰ قرآن کریم بوده، از آیه نخستین این سوره اقتباس گردیده است. در مصرع دوم «کاف ها یا» مقتبس از آیه اول سوره «مریم» بوده، سوره مذکور با این نام نیز معروف است.^۲ اما در دیوان شاعر «کاف ها یا» کتابت شده است. این شکل به نظر غلط بوده، به دلیل درک کاتبان از تبدیل حروف صورت گرفته است.

۳. سوره‌های «یس» و «المسد»

رقیب ما بمرد الحمد لله بخوان بر بولهب «تبت» نه «یاسین»

کعبه دل ز آتش عشق تو سوخت در تب «توبت» تن صد بولهب

۴. سوره‌های «الملک» و «القلم»

قاف قد و نون ابروانت برتر ز «تبارک» است و «نون» است

تفسیر دو ابروی تو کان سوره «نون» است

پیوسته به محراب نگوییم چه گوئیم

چو یاد آید آن ابروان در نمازم نخوانم به محراب جز سوره «نون»

در نماز عشق پیش قبله رخسار تو

سوره «نون» خواندم ابروی توام آمد به یاد

۵. سوره «اللیل»

گر زلف کجست بیند امام ز خم محراب جز سوره «واللیل» نخواند به امامت

اسماء آیات

۱. آیه «نور»

گر به محراب آیه نور رخت خواند امام

آتش افتد در درون منبر از آه خطیب

بی خط و کلک و ورق روشندان بر خوانده‌اند

آیه «نورالسموات» از ضمیر انورم

در این دو بیت نام آیه ۳۵ سوره «نور» که با اسم «آیه نور» شهرت یافته، درج گردیده

است.

۲. آیه «فتح قریب»

عشق بر آتش نهاد دفتر بود و نبود آیه «فتح قریب» سرّ حقایق گشود
منظور شیخ از آیه «فتح قریب» آیه ۱۳ سوره صف است.

۳. آیه «واللیل» و «کوثر»

برم پیش لب و زلف تو سجده چو خوانم آیه «واللیل» و «کوثر»
در این بیت آیات اول سوره «اللیل» و «الکوثر» ثبت گردیده است.

ای پاره ز چنگت به تن صوفی دلخ در شأن تو آید «یزید فی الخلق»
منظور شاعر آیه اول سوره فاطر می‌باشد.

تلمیح به داستان‌های قرآنی

تأثیر داستانهای قرآنی در نظم فارسی جایگاه خاصی را صاحب بوده، در اشعار شیخ
کمال نیز به حدی فراوان مورد استفاده قرار گرفته است. در این بخش تلمیحات به داستان‌های
قرآنی با ترتیب تاریخی در دو صورت توضیح یافته‌اند:

الف) تلمیح به داستان‌های انبیا

ب) تلمیح به دیگر داستانهای قرآنی

بعضی از ابیات در ذیل عنوان «اسرائیلیات» آورده شده‌اند. این از آن سبب بوده که در
قرآن مجید اشاره‌ای به آن مطالب نرفته است.

- تلمیح به داستان آدم (ع)

آدم از خود بهشت ننگ بهشت مرد باید به همست پدرد
تلمیح به آن آیات کریمه‌ای است که آدم (ع) از شجره ممنوعه خورد و از بهشت رانده
شد. این مطالب در سوره‌های بقره آیه ۳۶، اعراف ۲۲، طه ۱۲۳ و... بیان یافته‌اند.
درون کعبه دل دلبری است روحانی که قدسیانش به تعظیم کرده‌اند سجود

تلمیح به این آیات کریمه صورت پذیرفته: بقره ۳۴، اعراف ۱۱، حجر ۳۰، اسرا ۶۱، کهف ۵۰، طه ۱۱۶ و ص ۷۳.

- داستان نوح (ع)

ز لب گر وعده فرمودی که بوسی با تو بفروشم

چو نوح عمر و چون قارون زر بسیار بایستی

تلمیح به آیه ۱۴ سوره عنکبوت.

صاحب درد ز طوفان بلا جان نبرد نوح هر جا که رود دیده پر نم با اوست

تلمیح به آیات ۵-۱۰ سوره نوح.

- داستان ابراهیم (ع)

چه التفات محب را به بوستان و نعیم

که دل ز روی تو باغیست پر ز نار خلیل

خلیل ماست خیال تو روز و شب ز آن است

کش احتراز ز دود دل پر آتش نیست

تلمیح به این آیات مبارکه: سوره انبیا ۶۹، عنکبوت ۲۴، صافات ۹۷-۹۸.

- داستان یوسف (ع)

انوار حسن توست که از جیب آسمان

خورشید سر کشید چو یوسف ز قعر چاه

اگر ز حسن رخت یافتی نشان یوسف

ز شرم روی تو بیرون نیامدی ز چاه

تلمیح به آیه ۱۹ سوره یوسف.

به مهر یوسف از جان قطع کن قطع به تیغی دست ببریدن چه کار است

داری سر یوسف بُر از هر چه عزیز است

کان وصل به یک دست بریدن نتوان یافت

ز حیرت خط تو چون قلم کند انگشت

فرشته‌ای که به انگشت‌ها قلم دارد

دزدیده حسن یوسف دیدند و کف بریدند

زین شیوه دست دزدان دایم بریده باشد

یوسف ببین و حسن مبین کارد در میان این تیغ غمزه بود که کفها بریده بود

ما روی تو دیدیم و ز جان مهر بریدیم نظارگی یوسف اگر دست بریده

دیدم رخ یوسف ز چه بر حرف زلیخا انگشت نهی دم به دم ای دست بریده

تلمیح به آیه ۳۱ سوره یوسف.

دل عیسی همه از لب شکر می‌بارد

حسن یوسف همه در چاه زنخدان داری

پیرهن گر تنت آزد چه پوشی آن را

عیب یوسف نتوان کرد به نازک بدنی

تلمیح به آیه ۲۳ سوره یوسف.

از حالت زلیخا آن بو برد که چون گل پیراهن صبوری صد جا دریده باشد

بوی تو رساندند ز یوسف به زلیخا این نعره زنان آمد و آن جامه دران رفت
تلمیح به آیه ۲۵ سوره یوسف.

نیل مصر است دو چشم من و تو یوسف مصر

بهر نظاره خدا را بنشین بر لب نیل

نورم از دیده برفته است چو یوسف برود

لاجرم دیده یعقوب بماند بی نور

آن شاه کز او خانه دل شاه نشین بود از کلبه احزان گدا باز کجا رفت

خانه دیده ز دیدار تو روشن باشد بیت احزان من از روی تو گلشن باشد
تلمیح به آیه ۸۴ سوره یوسف.

به وصل صحبت یوسف عزیز من مشتاق

جمال یار نبینی مگر به صبر جمیل

می کند با تو شکیبایی یعقوب کمال

که جمیلی تو و صبر از تو بود صبر جمیل

تلمیح به آیات ۱۸ و ۸۴ سوره یوسف.

حدیث یوسف مصری که احسن القصص است

کسی به سوز نخواند چو پیر کنعانی

تلمیح به آیات ۸۴-۸۶ سوره یوسف.

یعقوب روشنی ز قدوم عزیز یافت یا خود ز مصر رایحه پیرهن رسید

نور چشمی بر صاحب نظری می آید پیش یعقوب ز یوسف خبری می آید

گل تو را باد و مرا یار عزیز صحبت یوسف به از صد پیرهن

در دامن ما چاک فتاده ست ز هر سو ای باد صبا بوی تو از پیرهن کیست

نکته پیرهن آمد به من یافتم جان نوی از رایحه

تلمیح به آیات ۹۳-۹۴، ۹۶ سوره یوسف.

اسرائیلیات

بشنو که با یوسف چه گفت آن پیرزن گریه کنان

گر به درم قادر نیم باری خریدار توام

- داستان موسی (ع)

موسی کلیم بارگاه توست و پاسبان فرعون رانده نظر توست و پادشاه

تلمیح به آیات ۲۷-۲۸ سوره قصص و ۵۱-۵۴ سوره زُخرف. همچنین سوره‌های اعراف ۱۰۳-۱۳۷، یونس ۷۵-۹۲، هود ۹۷-۹۹، اسراء ۱۰۰-۱۰۳، طه ۴۲-۷۹، مؤمنون ۴۵-۴۸، شعرا ۱۰-۶۸، قصص ۳-۴۰، غافر ۲۳-۳۷، دخان ۱۷-۳۱...

عاشق ار آمد به کویش دنیی و عقبی نخواست
جانب طور آمدن مقصود موسی دیگر است
تلمیح به سوره نمل، آیه ۷، طه ۱۰، قصص ۲۹.

جناب عشق بس عالیست موسی همتی باید
که نتوان بر چنین طوری شدن بی همت والا

خضر جان آب از لب دلجوی تو یافت
موسی انوار تجلی همه از روی تو یافت

از پرتو آن روی جناب سر آن کوی
طوری است که آنجا همه انوار تجلی است

منزل مقصود نزدیک است و ره ایمن کمال
لیک تا آنجا ز خود گر نگذری نتوان رسید

عکس جمالت افتد گهگه به کوی دلها چون پرتو تجلی بر وادی مقدس

با موسی دیدار طلب وعده همین بود گر محو شوی دولت دیدار بیابی

کوهها در ناله‌اند از رقت مستان طور
زین همه شور و شغب باری صدایی بشنوید

حسن مهرویان چه می‌ماند به سوی یار من
پرتو مه دیگر و نور تجلی دیگر است

چشمم به خیال تو پر از نور تجلی است
چشمی که چنین است به دیدار تو اولاست

یار نزدیک آمد و از خویش ما را دور ساخت
پرتو نور تجلی سایه‌ها را نور ساخت

تلمیح به آیات ۱۰-۴۷ سوره طه، سوره‌های اعراف ۴۳، مریم ۵۲، شعرا ۱۰-۱۷، نمل
۷-۱۲، قصص ۲۹-۳۵، نازعات ۱۶-۱۹.

هست در انگشت کمال آن قلم یا نه عطایی است به دست کلیم

کفش خضر و عصای موسی شایسته پا و دست شل نیست

تلمیح به آیات ۱۷-۲۱ سوره طه، بقره ۶۰، اعراف ۱۱۷، ۱۶۰، شعرا ۳۲، ۴۵، ۶۳، نمل
۱۰، قصص ۳۱.

از نصیحت‌الحوث اگر یادت هست همچو آن ماهی به حضرت آشنا

تلمیح به آیه ۶۳ سوره کهف.

ناشناسی دوسه گوساله پرستند چه سود صبر کن تا برسد موسی عمران از طور

تلمیح به آیات ۸۵-۹۸ سوره طه.

- داستان سلیمان (ع)

غم تو لشکر سلیمان است که چو مورم به زیر پا کشتست
تلمیح به آیه ۱۸ سوره نمل.

سلیمان کو که در جوف هوا مهدش کشیدندی
کنون چون جو شد اندر خاک و هر سو می کشد مورش
تلمیح به آیه ۱۲ سوره صبا، همچنین سوره‌های انبیا ۱۸ و صاد ۳۶.

من بر آن خاک در از شوق دهان او کمال
آن سلیمانم که لاف از تخت و خاتم می‌زنم
تلمیح به آیه ۱۶ سوره نمل.

شاه مرغانم سوی تخت سلیمان می‌پریم
صید من عشق است و دل پیر و عنایه رهبرم
تلمیح به آیه ۲۲ سوره نمل.

اسرائیلیات

گوئیا مور سلیمان است خط گرد لبش کان چنان گستاخ بر بالای خاتم می‌رود

من باد در دست دور از دهانت سلیمان و قتم که خاتم ندارم

زمین بوس موران سر زیر پای به خاک جناب سلیمان رسان

* * *

به آن لب ملک دلها شد مسلم سلیمان ملک راند با نگینی

* * *

من مورم نگین جم آن لب غریب نیست گر خاتم و نگین جم از من دریغ داشت

- داستان ایوب (ع)

زان زلف به رو دم شده رنجور چو ایوب از لب شگری ده که شفاخانه عیسی است

تلمیح به آیه ۸۳ سوره انبیا و ۴۱ سوره صاد.

* * *

- داستان عیسی (ع) و مادرش مریم عذرا

آنفاس من از بلندقدری عیسی است کز آسمان زند دم

* * *

هنگام دعاست دست برگیر ای خضر که عیسی تو در دم

دم عیسی که به رنجور شفا میبخشد دم نقد از لب او که این دم با اوست

* * *

زان زلف به رو دم شده رنجور چو ایوب

از لب شگری ده که شفاخانه عیسی است

* * *

مرده را زنده از آن کرد مسیحی با دمی

کز دم باد سحرگاهی ازل بوی تو یافت

* * *

رسید باد مسیحا دم ای دل بیمار بر آن سر که طیب آمد و دوا آورد

* * *

دیدن نبضش اشارت به مسیحا کردند

گفت حیف است چنان دست به دست چو منی

تلمیح به آیه ۴۹ سوره آل عمران و آیه ۱۱۰ مائده.

سر بلندی همه از عشق گزین عیسی از عشق به بام فلک است

با تو چه ماند خضر و مسیحی عمری تو هرگز با کس نمایی

تلمیح به آیات ۱۵۷-۱۵۸ سوره نساء، همچنین سوره‌های آل عمران آیه ۵۵ و مائده ۱۱۷.

اسرائیلیات

و آنچه گفت عیسی با عاشقان دنیا چندین حجاب بینید از نیم سوزن ما

- داستان محمد (ص)

خواجه هردو سرا احمد محمود خصال

حسن اخلاق و مکارم همه از روی تو یافت

تلمیح به آیه ۴ سوره قلم.

چون بشیر از ليله المعراج زلفت برگزیده

در میان قاب قوسینم فکنده است ابروانت

تلمیح به آیه ۴۰ سوره نجم.

- داستان قارون

گر به من بوسی ببخشی کم نگردد زان جمال

با زکاتی کی گدا از مال قارون کم کند

ز لب گر وعده فرمودی که بوسی با تو بفروشم
چو نوح عمر و چون قارون زر بسیار بایستی
تلمیح به آیه ۷۶ سوره قصص.

* * *

- داستان اسکندر

نیست حاجت که بود سد سکندر در پیش
در میان تو و او مانع و هائل تو بسی
تلمیح به آیات ۹۴-۹۶ سوره کهف.

* * *

- داستان هاروت و ماروت

از من ببست چشم به هنگام ناز و گفت
هاروت گو بیا و ببین چشم بندی ام

* * *

گر شود آگه از استاد آن غمزه کمال
پیش او ساحر بابل رضی الله بزند
تلمیح به آیه ۱۰۲ سوره بقره.

* * *

مضامین قرآنی

استفاده از مضامین قرآنی یکی از بهترین واسطه‌های پرمعنی بیان افکار و پرمایه‌سازی کلام بوده، این اصول بر تلون نظم فارسی اثر چشمگیری داشته است. خواجه کمال نیز از این شیوه استفاده فراوان برده، از یک‌نظم خود را با مضامین برگهر قرآنی زینت بخشیده است. از آنجا که قرآن مجید سرچشمه پرفیض اهل عرفان است و سخنور خجندی نیز از بزرگمردان این طایفه به حساب می‌رود، می‌توان تأثیر مضامین قرآنی را در اکثر ابیات او روشن ساخت. همچنین بعضی مطالب در چندین مورد استفاده گردیده که با آوردن یکی از آنها اکتفا می‌شود.

گر بخوانی به مثل آیه حملش بر کوه با همه سنگدلی ناله بر آید ز جبال
 مأخوذ از آیات ۷۲ سوره احزاب و آیه ۲۱ حشر.

به کمالات محمد که به حق یافته‌اند اهل بیت از شرف صحبت او عز و جلال
 مأخوذ از آیات ۳۳ سوره احزاب و آیه ۲۳ شورا.

آثار حسن توست که بر طاق نیلگون صبح سفید روی نمود از شب سیاه
 مأخوذ از آیه ۶۲ سوره فرقان، همچنین سوره‌های حدید آیه ۴، زمر آیه ۵، لقمان آیه
 ۲۹، قصص آیات ۷۱-۷۳.

داریم صبر اندک و بیش از شمار ذوق پوشیده نیست از تو قلیل و کثیر ما
 مأخوذ از آیه ۳۸ سوره ابراهیم، همچنین سوره‌های یونس آیه ۶۱، صبا آیه ۳، لقمان
 آیه ۱۶، ملک آیه ۱۳...

اگر چه از دو جهان کرده‌ایم قطع امید به لطف رحمت او هست امیدواری ما
 مأخوذ از آیه ۵۳ سوره زمر، همچنین آیه ۵۶ سوره هجر و آیه ۸۷ سوره یوسف.

اگر چه ریختن خون به حکم شرع خطاست
 بریز خون صراحی که هست عین صواب
 مأخوذ از آیه ۹۲ سوره نساء.

گر بلا افزون فرستی بر من از نعمت هنوز
 شکر می‌گویم که در شکر مزید نعمت است
 مأخوذ از آیه ۷ سوره ابراهیم.

به شکر گفته‌اند دشمن کش دوستان را لب‌ت چرا کشتست
 مأخوذ از آیه ۳۴ سوره فُصَّلَه و آیه ۹۶ سوره مؤمنون.

دل از شنیدن قرآن بگیرد همه وقت چو باطلان ز کلام حقت ملولی چیست
 مأخذ از آیه ۷۲ سوره حج.

خانه دل به خیال لب او دار شفاست چند نالد دل مجروح که مرهم با اوست
 مأخوذ از آیه ۲۸ سوره رعد.

تو را به یک دو خط مصطلح فضولی چیست
 اصول علم لدنی به بی‌اصولی چیست؟
 مأخوذ از آیه ۶۵ سوره کهف.

زمین به جرعه بده آب و تخم عشرت کار
 که خواجه آن درود عاقبت که می‌کارد
 مأخوذ از آیه ۲۱ سوره طور، همچنین سوره اسرا آیه ۷، فصله ۴۶، جاسیه ۱۵...

از قصد بداندیش میندیش کمال
 دشمن چه تواند چو کند دوست حمایت
 مأخوذ از آیه ۶۵ سوره اسرا، همچنین سوره انعام آیه ۱۷، یونس آیه ۱۰۷...

ریزد ستاره روز قیامت عجب مدار روز وداع اشک اگر از دیده‌ها چکد
 مأخوذ از آیه ۲ سوره انفطار.

خبری زان میان چو می پرسند عالم السیر خداست می گوید
 مأخوذ از آیه ۷ سوره اعدا، همچنین سوره های بقره آیه ۷۷، آل عمران آیه ۵، انبیاء آیه ۴، محمد آیه ۲۶...

یار کشد باز دلا گفتمت لیس علی المخبر الالبلاغ
 مأخوذ از آیه ۹۹ سوره مائده همچنین سوره های آل عمران آیه ۲۰، نحل آیه ۳۵...

به طاق ابروان خوانم تو را پیوسته پیش خود
 بیا ای آیه رحمت به محرابت چو می خوانم
 مأخوذ از آیه ۱۰۷ سوره انبیاء، همچنین سوره های انفال آیه ۳۳، توبه آیه ۶۱...

گفتم به دیر با تو رسم یا به کعبه گفت
 ما را به هر مقام که جویند حاضریم
 مأخوذ از آیه ۴ سوره حدید و آیه ۱۱۵ سوره بقره.

زین سان که دل به یا رب زان غمزه خواست تیری
 یک تیر بر نشانه خواهی رسیدن
 مأخوذ از آیات ۱۸۶ سوره بقره و ۶۰ سوره غافر.

پیر حریص باشد و هست ز حرص پیرتر
 اینکه به جنت آید باز شود ز سر جوان
 مأخوذ از آیه ۳۵ سوره واقعه.

چه جفا مانده که عشقت نرسانده به کمال

واقف حال کسی نیست مگر حضرت شاه

مأخوذ از آیه ۶۵ سوره نمل، همچنین سوره‌های هود آیه ۱۲۳، کهف آیه ۲۶، حجرات آیه ۱۸...

گفتم از غم به وصال تو گریزم لیکن

پیش شمشیر قضا هیچ سپر نتوان کرد

مأخوذ از آیه ۴۱ سوره رعد.

آن یار به من صد ره نزدیکتر است از من

گر دور به صد منزل از یار و دیار افتم

مأخوذ از آیه ۱۶ سوره قاف.

سلطان غیرت تو به فرمان کُن فکان گرد از راه وجود بر آورد بی سپاه

مأخوذ از آیه ۳۵ سوره مریم، همچنین سوره‌های بقره آیه ۱۱۷، آل عمران آیه ۴۷، انعام آیه ۷۳...

آن لب نه زلال است که خمری است بهشتی

آن نقطه نه خال است که سِری است الهی

مأخوذ از آیه ۱۵ سوره محمد، همچنین سوره‌های واقعه آیه ۱۸-۲۰، صافات ۴۵-۴۷.

به چشم جان تو چراغی که در میان زجاجی

ز عشق آب حیاتی ز عقل منهن اجاجی

مأخوذ از آیه ۳۵ سوره نور.

اقتباسهای قرآنی

اقتباسات فراوان قرآنی موجب پرثمر شدن نخلستان کلام خواجه کمال و افزودن عُذوبیت و لطافت آن گردیده است. چون قسمتی از اقتباسات در بخشهای قبلی آورده شد، در این بخش از تکرار آنها صرف نظر نموده، به آوردن نمونه‌های تازه می‌پردازیم. همچنین از آنجا که نمونه‌ها بسیارند، ما مطالب را به دو بخش تقسیم کرده تا حدی جانب اختصار را رعایت کردیم.

۱. اقتباس عبارات قرآنی

از سَقَاهُمْ رَبُّهُمْ ابریق‌هاست تا به لب پیش لب ما و شماس
اقتباس از آیه ۲۱ سوره انسان.

گر طلبکاری مشو دور از کمال لم تجسد بعد ولیاً مرشدا
اقتباس از آیه ۱۷ سوره کهف.

به جناب شاه ما گر برسید فقیره فی رفیع‌الدرجات
اقتباس از آیه ۱۵ سوره غافر.

ما در این دیر فتادیم هم از روز الست دزد و دیوانه و قلاش و خراباتی و مست
اقتباس از آیه ۱۷۲ سوره اعراف.

بر پر لب تو کشت مرا ساقیا به رسم فدا بریز خون صراحی که والجروح قصاص
اقتباس از آیه ۴۵ سوره مائده.

داریم ساقیا هوس عشرت و نشاط جویای راه میکده‌ایم اهدنا الصراط
اقتباس از آیه ۶ سوره فاتحه.

گـویند دل ز جانان برگیر حاش لله هرگز چگونه از جان دل برتوان گرفتن
اقتباس از آیات ۳۱ و ۵۱ سوره یوسف.

* * *

زادراه عاشقان اشک است و روی زرد و آه
راه از این گونه است باسمه الله که دارد عزم راه
اقتباس از آیه ۳۰ سوره نمل و ابتدای تمام سوره‌ها بجز سوره توبه.

* * *

بر دیده نهند شاید این شعر نظارگیان بیت معمور
اقتباس از آیه ۴ سوره طور.

* * *

شیراز جای مردم صاحب کمال نیست هان ای کمال عازم دارالسلام باش
اقتباس از آیه ۲۵ سوره یونس.

* * *

ای مه رخسار تو مطلع صبح یقین غاشیه کبریات شهر روح الامین
اقتباس از آیه ۱۹۳ سوره شعرا.

* * *

به گدایان نظری دارند شاهان جهان لله الحمد تو را قاعده آن هم نیست
اقتباس از آیه ۳۶ سوره جاسیه.

* * *

یقین دانی که چشمش عین فتنه‌ست گسرت حاصل شود عین یقینی
اقتباس از آیه ۷ سوره تکوین.

* * *

گر به پاکی خضر وقتی و روح‌القدس تا نیابی نظر اهل صفا هیچ کسی
اقتباس از آیه ۱۰۲ سوره نحل و آیه ۸۷ سوره بقره.

* * *

زان لب پر از شکر لطف همی بارد بس که بپرورد خط او به نبات حسنش
اقتباس از آیه ۳۷ سوره آل عمران.

* * *

که حافظ همی خواندش در عراق بلند و روان همچو سبغ شیداد

اقتباس از آیه ۱۲ سوره نبا.

بود در عشقت مراد دیده و دل خون شدن

هر دو را الحمدالله در کنار است این مراد

اقتباس از آیه ۴۳ سوره اعراف، همچنین سوره‌های کهف آیه ۱، سبا آیه ۱، فاطر آیه ۱،

زمر آیه ۷۴...

لیله‌القدری که در وی بود حلقه حلقه روح

یافتم اینها همه در حلقه‌های موی دوست

اقتباس از آیه ۳ سوره قدر.

ای بر کمال قدرت تو عقل کل گواه بر لــــوح کبریای توطوق لاله

اقتباس از آیه ۳ سوره فاطر، همچنین سوره‌های بقره آیه ۱۶۳، طه آیه ۸، صافات آیه

۳۵، حشر آیه ۲۲، تغابن آیه ۱۳...

فروغ شمع جمال تو مشرق‌الانوار طلوع کوكب حسن تو فالق‌الاصباح

اقتباس از آیه ۹۶ سوره أنعام.

همان گونه که ملاحظه گردید، خواجه کمال از داندگان و مونسان حقیقی قرآن

کریم بوده، خود را به سرچشمه سرمدی اهل معنی پیوسته، مضامین عمیق و عالی را در زلال

آیات این کتاب آسمانی به نظم آورده است. در این مقاله الهامات شیخ کمال از ۷۳ سوره و

بیش از ۲۵۰ آیه مبارک قرآن مجید توضیح یافته‌اند که امید است در آینده به صورت

مفصل‌تر بدان پرداخته گردد.

پانوشتها:

۱- جامی- نفحات‌الأنس، تصحیح دکتر محمود عابدی، تهران، ص ۶۰۹.

۲- دولتشاه سمرقندی- تذکره‌الشعراء، تصحیح محمد رضانی، تهران، ص ۲۴۵.

۳- بهاء‌الدین خرمشاهی- قرآن‌شناخت، تهران، ص ۳۲۴.